

کار و تلاش از دیدگاه حضرت علی (ع)

○ اصغر محمدی*

قسمت اول

کار چیست؟

از نظر لغوی کار به معنی فعل و عمل و کردار است و هر آنچه را که از شخص صادر گردد و خود را بدان مشغول کند می‌باشد. کار فعالیتی است نسبتاً دائمی که به تولید کالا یا خدمات می‌انجامد و برای آن دستمزدی در نظر گرفته می‌شود.

به عقیده بعضی از صاحب‌نظران در تعریف کار به نوع خاصی از کار توجه نشده است. بلکه کار را در مفهوم عام سرچشمه انباشت ثروت و سرمایه و نهایتاً رشد و شکوفایی جوامع تلقی کرده‌اند. پولکس فس می‌گوید «مردم سرچشمه ثروتهای منقول بوده و افزایش ثروت از کار و زحمت آنها ناشی می‌شود»^۱.

از نظر برخی از اقتصاددانان لیبرال از جمله کلسن کار عبارتست از: «استفاده ایست که انسان از نیروهای مادی و معنوی خود در راه تولید ثروت یا ایجاد خدمات می‌کند»^۲ براساس این تعریف فعالیت و کار به طور عمده از طریق هدفها و ارزش

و کار، کار از دیدگاههای فیزیولوژی و روانشناسی، کار آزادانه و غیرآزادانه (اجسباری)، کارهای شایسته، کارهای ناشایست، تقسیم کار، رابطه طبقات و اقشار با تقسیم کار، بیکاری و کم‌کاری، نظارت در کار و نتیجه‌گیری.

پس‌دیده کار از مفاهیم مهم علم جامعه‌شناسی است. کار سرمایه و ذخیره ملی است و می‌تواند منجر به رشد تمدن گردد. اگر افراد جامعه‌ای به طور نسبی بتوانند کار و شغل مناسب به دست آورند و شغل آنان متناسب با استعدادها، تواناییها و علائق آنها باشد زمینه برای نوآوری، ابتکار، رشد و پیشرفت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه به وجود می‌آید. برعکس اگر زمینه‌های اشتغال و کار در جامعه محدود باشد و تقاضا برای کار زیاد باشد به تدریج بیکاری افزایش می‌یابد. گسترش بیکاری منجر به آسیبها و پیامدهای ناگوار در جامعه می‌شود.

هر جامعه‌ای برای تداوم حیات و بقاء به کار و فعالیت مردم و مستولان احتیاج دارد. نیاز به کار از قرون گذشته (باستان) وجود داشته است و در حال حاضر و آینده هم بر اهمیت آن افزوده می‌گردد. کار قسمت اعظم از زندگی انسان را در بر می‌گیرد. حتی در جوامع ساده و اولیه کار، فعالیت و تقسیم کار بین افراد بر طبق شرایط و امتیازات قومی و موروثی و غیره بوده است.

به عقیده بسیاری از متفکران اجتماعی و اندیشمندان اسلامی انسان موجودی اجتماعی است. انسانها قسمت اعظم نیازها و احتیاجات خود را از طریق زندگی اجتماعی و کار گروهی و اجتماعی تأمین می‌کنند. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) به عنوان اندیشمند و امام برجسته شیعیان و امت اسلامی مسأله کار و تلاش را با درایتی واقع‌بینانه بیان نموده است.

مباحث مورد بررسی در زمینه کار عبارتند از: تعریف کار، ارزش و اهمیت کار و تلاش، ملاکها و معیارها در انتخاب شغل

محصولی که تولید شده معین می‌گردد، به عبارت دیگر کار زمینه را برای تولید و افزایش خدمات ایجاد می‌کند.

به طور کلی کار عبارتست از: «مجموعه عملیاتی که انسان با استفاده از مغز، دستها، ابزار و ماشینها برای استفاده عملی از ماده روی آن انجام می‌دهد و این اعمال نیز متقابلاً بر انسان اثر می‌گذارد و او را تغییر می‌دهد»^۳

بر اساس تعریف مذکور کار دارای سه خصوصیت است: نخست کار مبتنی بر فعالیت فکری و بدنی است. دوم: از طریق کار، کالایی تولید می‌شود یا خدمتی ارائه می‌گردد. سوم: در قبال انجام کار، دستمزدی پرداخت می‌گردد.

در اندیشه مولای متقیان حضرت علی (ع) می‌توان به صورت استنباطی کار را چنین بیان نمود. کار عبارتست از تلاش و کوشش انسانها برای آماده کردن زاد و توشه آخرت در دوران زندگی در دنیای مادی است.

قال امام علی (ع): «فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَ الْإِجْتِهَادِ، وَ التَّأَهُّبِ، وَ الْإِسْتِعْدَادِ، وَ التَّزْوُدِ فِي مَنَازِلِ الزَّادِ. حضرت علی (ع) می‌فرماید: بر شما باد به تلاش و کوشش، آمادگی و آماده شدن و جمع‌آوری زاد و توشه آخرت در دوران زندگی»^۴ خطبه ۹/۲۳۰.

از دیدگاه امام علی (ع) یکی از حقوق اولیه مردم این است که همه حق دارند در یک جامعه شاغل باشند. کار کوچکی و بزرگی ندارد، مگر با توجه به کاری که انجام می‌دهند و هر کسی مزد و هم پاداش کار خود را خواهد دید.

ارزش و اهمیت کار و تلاش

یکی از معیارهای مهم برای پیشرفت و سعادت جوامع توجه به شکل، نوع و کیفیت کار و فعالیت می‌باشد. در برخی از جوامع بین اشکال کار یدی و فکری تمایزاتی وجود داشته است. کارهای یدی و فیزیکی فاقد ارزش بود و معمولاً این فعالیتها و کارها به اقتار پایین جامعه واگذار می‌شد. به عنوان مثال در شهرهای یونان باستان و در اروپای قرون وسطی و در جوامع کاستی چنین

مسئله‌ای وجود داشته است، در حالیکه در برخی از جوامع و ادیان الهی و آسمانی عموماً به کار و فعالیت و به ویژه کارهای فیزیکی توجه وافر داشته و دارند. بهترین دلیل آن است که پیامبران الهی خود به کار و فعالیت تأکید داشته و خود عملاً در این امر شرکت می‌کردند.

حضرت پیامبر اکرم (ص) قبل از بعثت گوسفند چرانی می‌کرد و با مال و سرمایه حضرت خدیجه (س) تجارت می‌نمود. حضرت موسی (ع) گوسفند چرانی می‌نمود. حضرت ابراهیم (ع) به کارهای چوپانی و بنایی اشتغال داشت. حضرت لقمان (ع) و حضرت ادریس (ع) خیاط بودند و حضرت نوح (ع) نجار بوده است.^۵

در زمینه احترام و بزرگداشت کار و تلاش مفید و سودمند حضرت رسول (ص) صرفاً به تمجید و تعریف نپرداخته است. «بلکه دستی را می‌بوسد که از شرکت کار ورم کرده و پینه بسته باشد و می‌فرماید: این دستی است که خدا و پیامبرش آن را دوست دارند»^۶

حضرت محمد (ص) همچنین می‌فرمایند: «خداوند بنده با ایمان پیشه‌ور را دوست می‌دارد و هیچیک از شما غذایی گواراتر از دسترنج خود نخورده است»^۷

علاوه بر پیامبر اسلام (ص) ائمه اطهار (ع) هر کدام به کار و فعالیت می‌پرداختند. پس از رسول اسلام امیرالمؤمنین (ع) از هرکس متواضع‌تر بود در امور خانه به همسر خویش کمک می‌کرد و شخصاً به کار و تلاش در مزرعه می‌پرداخت.

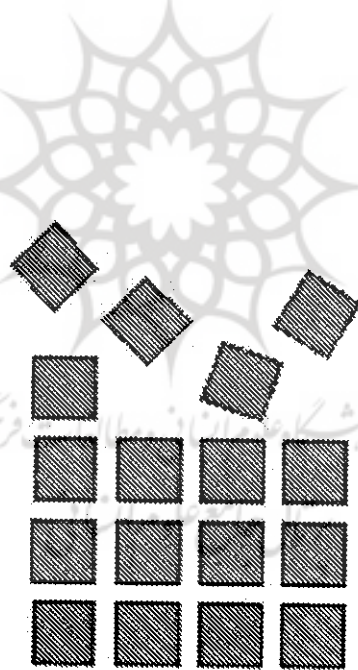
«با کلنگ زمین را می‌کند و آن را شیار می‌نمود و آبیاری می‌کرد و بارهای هسته خرما را روی شانه می‌گذاشت و به صحرا می‌برد و بر زمین می‌فشاند و اگر یک دانه‌ای از آن به زمین می‌افتاد خم می‌شد و آن را برمی‌داشت و می‌فرمود: امروز هسته است و فردا خرما می‌باشد»^۸

حضرت علی (ع) در طول عمر خویش بر رسالت زمامداری و امامت به کارهای زراعت و باغبانی پرداخت و درآمد آن را صرف فقرا و یتیمان و اقتار پایین جامعه می‌نمود، چنانچه در مورد اهمیت و ارزش کار و تلاش می‌گوید:

«کتیدن سنگهای گران از قله‌های کوه، نزد من از منت بگران کشیدن محبوبتر است. مردم به من می‌گویند: کار برای تو عیب است و حال آنکه عیب آن است که انسان دست نیاز نزد مردم دراز نماید»^۹

از دیدگاه علی (ع) کار و تلاش از چند لحاظ حائز ارزش و اهمیت می‌باشد: نخست اینکه هر مسلمانی سعی کند با تلاش و کوشش و دسترنج خویش به تأمین احتیاجات زندگی خود بپردازد.

دوم در سیره ایشان هر کاری که برای فرد و جامعه سودمند باشد و توشه‌ای برای آخرت فرد مهیا شود ارزش دارد. خطبه



۹/۲۳۰ که قبلاً گفته شد بدان اشاره می‌کند. در اندیشه و مرام امام علی (ع) کار از تقدیس و احترام خاص برخوردار است و مقرر داشت که بناد و برتری بعضی از مردم بر برخی دیگر صرفاً کار و فعالیت می‌باشد نه حسب و نسب مسوروثی و امتیازات قبیلای و عشیره‌ای. «چنانکه گفت پاداش هرکس در قبال هر کاری است که انجام می‌دهد و در این باره چنان سخت گرفت که معروف شد علی یاور هر کسی است که کار می‌کند و دشمن آن کسی است که به گدایی می‌پردازد»^{۱۱}

ملاکها و معیارها در انتخاب شغل و کار

در مورد انتخاب شغل و کار نظرهای گوناگونی مطرح شده است برخی صاحب نظران معتقدند که افراد در انتخاب شغل آزادند و برخی انتخاب شغل را در ارتباط با ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌دانند. حال سئوالات ذیل مطرح می‌شود: آیا انتخاب شغل با آگاهی همراه است یا نه؟

آیا انتخاب شغل کار براساس جبر است یا اختیار؟

آیا انتخاب شغل تصادفی است یا نه؟

آیا انتخاب کار آگاهانه یا ناآگاهانه می‌باشد؟

آیا انتخاب شغل عقلانی است یا براساس عواطف و احساسات؟

از دیدگاه برخی از محققان انتخاب شغل امری تصادفی است و افراد به صورت شانسی شغلی را انتخاب می‌کنند در مقابل عده‌ای عامل اراده را در این امر مهم می‌دانند.

بعضی از صاحب نظران از جمله آدامز ۱۹۵۷ م «اظهار می‌دارد که انتخاب شغل افراد بر اساس آگاهی و تأمل صورت می‌گیرد، در حالیکه به نظر فروید کار و فعالیت و انتخاب شغل به طور ناآگاهانه انجام می‌شود. به عبارت دیگر عامل اجبار و فشار و اضطراب باعث می‌شود تا افراد هر کدام کاری را انتخاب کنند»^{۱۱}

یکی از ملاکها و معیارهای حضرت

علی (ع) پیرامون کار و انتخاب شغل مسئله آگاهی داشتن و شناخت لازم به کار است. زیرا کار توأم با آگاهی در مسیر زندگی و ترقی افراد نقش مؤثر دارد چنانکه ایشان می‌فرماید:

«فَإِنَّ الْعَامِلَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَالسَّائِرِ عَلَيَّ غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا يَزِيدُهُ بُعْدُهُ عَنِ الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ إِلَّا بُعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ وَ الْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَيَّ الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ، عمل کننده بدون آگاهی چون رونده‌ای است که بیراهه می‌رود. پس هرچه شتاب کند از هدفش دورتر می‌ماند و عمل کننده از روی آگاهی، چون رونده‌ای بر راه راست است»^{۱۲} (خطبه ۱۵۴)

همچنین حضرت علی (ع) می‌فرماید: «إِذَا ارْتَأَيْتَ فَاغْفُلْ هِرْكَاهُ نَظَرٍ وَ تَأْمَلْ بِنِجَا أَوْرَدٍ (یعنی در هر کاری نخست باید فکر کرد) آنگاه انجام داد»^{۱۳}

از ملاکها و معیارهای دیگر در کارها و فعالیتها از نظر علی (ع) مسئله اخلاص است. قال امام علی (ع): «خَيْرُ الْعَمَلِ مَا ضَحِيَهُ الْإِخْلَاصُ، ایشان می‌فرماید: بهترین عمل آنست که اخلاص همراه آن باشد»^{۱۴}

باز می‌فرماید: «صَلَاحُ الْعَمَلِ بِصَلَاحِ النِّيَّةِ، صلاح عمل و عمل درست با خالص بودن نیت است»^{۱۵}

از گفتارهای فوق چنین استنباط می‌شود که اخلاص در عمل یکی از شرایط مهم در زندگی انسانها به ویژه در زمینه کار و فعالیت است، زیرا عمل خالص علاوه بر نفع شخصی و مادی برای افراد، دارای منافع اخروی می‌باشد همچنین در اصلاح و گرایش مردم و جامعه بسوی کمال و سعادت دنیوی و اخروی نقش ارزنده دارد.

کار از دیدگاههای

فیزیولوژی و روانشناسی

از این منظر وضعیت فیزیکی، اندامها ماهیچه‌ها، دستگاههای تنفسی، عصبی و غیره در ارتباط با کار و تلاش مورد توجه قرار می‌گیرد. مسائلی که در این دیدگاه مطرح است عبارتند از:

۱- تأثیر محیط کار بر قوای انسانی

۲- توانایی ارگانسیم انسان بر محیط کار

۳- تواناییهای بدنی انسان

در موارد فوق مباحث مربوط به خستگی در محیط کار مورد بررسی قرار می‌گیرد. اینکه چرا فرد (کارگر) از محیط کارش خسته می‌شود و چگونه می‌توان با راهکارهای خستگی کارگران را در محیط کار کاهش داد.

در دیدگاه حضرت علی (ع) می‌توان کار را از منظر جسمی بررسی نمود: قال امام علی (ع): «قَلِيلٌ مَدُومٌ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُوءٍ مِنْهُ، امام می‌فرماید: کار اندک که به آن ادامه داده شود بهتر از کار بسیار که خستگی آورد»^{۱۶} حکمت ۴۳۶. از کار زیاد و خستگی آور پرهیز کنید که نشاط و نوآوری سلب می‌کند.

باز می‌فرماید: «دَلِّهَا هَمَانِدْ بَدَنَهَا، خسته و افسرده می‌شوند پس برای آنها لطایف حکمت آمیز و جالب برگزینید»^{۱۷} از این مطلب استنباط می‌شود که با ایجاد تنوع و نوآوری در محیط کار می‌توان از ملامت و خستگی جلوگیری کرد و زمینه‌های رضایت را فراهم نمود.

کار آزادانه و غیر آزادانه (اجباری)

بررسیهای به عمل آمده حاکی از آن است که در مواردی کار موجب استعمار و از خودبیگانگی انسان می‌گردد. «اگر انتخاب کار ناصحیح و با فرد ناسازگار باشد آثار مضموری خواهد داشت. چنانچه کار برای فردی که آنرا انجام می‌دهد امری خارجی تلقی شود، در معنای خاص کلمه از خودبیگانه کننده است» برخی از کارهای از خود بیگانه کننده عبارتند از:

- ۱- کارها و فعالیتهایی که به نوعی سلب کننده شخصیت افراد باشد.
- ۲- کاری که فرد علاقمند به آن نباشد.
- ۳- کاری که فرد از روی اختیار و آزادی انجام ندهد.
- ۴- کارهایی که فرد در پایان روز و آخر بمانند برده از آن فرار می‌کند و برای وی مفید نباشد.
- ۵- کارهایی که خم و راست شدنی بیش نیستند.

از نظر حضرت امیرالمؤمنین (ع) بر پایه دو عامل آبادی و عمران زمین و پاداش عادلانه برای کار می‌توان جامعه‌ای سالم بنا نهاد. ایشان کار فاقد اختیار و رضایت را نهی می‌کرد و به مسئولان و زمامداران توصیه می‌کرد در امور و فعالیتها مردم را مجبور نسازند.

یکبار مردم یکی از ایالات به نزد وی آمده و گفتند در سرزمین آنها نه‌ری بوده که گذشت روزگار مجرای آن را خراب کرده و اگر از نو حفر و ترمیم گردد، برای آنها درآمد و سود زیادی خواهد داشت. آنان از امام علی (ع) خواستند که به فرماندار خود در آن سرزمین دستور دهد که مردم آنجا را برای کمک در ترمیم و نوسازی نهر تخریب شده مجبور سازد ایشان حفر مجدد نهر را پذیرفتند ولی با مجبور ساختن مردم برای چنین امری مخالفت کردند.

امام علی (ع) به عامل خود به نام قرطه بن کعب چنین نوشت: «... از من خواستند که بر تو بنویسم که آنان را به کار وادار کنی و مردم را برای حفر نهر و کمک به آن گردآوری ... و به نظر من کسی را نباید به کاری را که نمی‌خواهد مجبور ساخت. آنان را به نزد خود بخوان، اگر موضوع نهر آنچنان باشد که تعریف کرده‌اند، هر کسی که بخواهد کار کند، او را بکار دار و نهر باید از آن کسانی باشد که کار کرده‌اند نه کسانی که در آن شرکت ننموده‌اند...»^{۱۸}

مجبور ساختن افراد برای انجام کارها امری ناشایست است، آن کاری صحیح است که افراد با میل و علاقه انجام دهند.

«قال امام علی (ع):

قَلِيلٌ مَدَمَّ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِّنْ كَثِيرٍ مَّمْلُولٍ مِثْنَهُ.
امام علی (ع) می‌گوید: چیز اندکی که با اشتیاق تداوم یابد بهتر از فراوانی است که رنج‌آور باشد»^{۱۹} (حکمت ۴۳۶)

کار باید براساس آزادی و میل باشد، نه اجباری و حتی نباید در کاری سودمند مردم را بالاجبار فراخواند و از آنها انتظار داشته باشید. فعالیتها و کارهای اجباری پیامدهای ذیل را به همراه دارد که عبارتند از:

نخست: از شکوفائی استعدادها و توانائیهای انسان جلوگیری می‌کند.

دوم: ارزش انسانی افراد را کاهش می‌دهد. سوم: کارهای اجباری نوعی توهین به آزادی انسانی است.

چهارم: فعالیتهای تحمیلی توهین و اهانت به خود کار و عمل می‌باشد.

پنجم: کارهای غیرآزادانه زمینه رشد، نوآوری، ابداع و ابتکار افراد را تقلیل می‌دهد.

امام علی (ع) مسئله آزادی و اجبار در کار را از دو منظر مورد توجه قرار داده است. اولاً کار اجباری حتی در امور عام‌المنفعه و سودمند را مقبول ندانسته است، زیرا فعالیتهای اجباری منجر به فقدان شکوفائی، نزول ارزش انسانیت و اهانت به مسئله آزادی و کار می‌گردد.

ثانیاً: از نقطه نظر دیگر آنان که به کار و فعالیت می‌پردازند منافع و درآمد و سودی که بدست می‌آورند سهم ایشان می‌داند و منافع صرفاً به کسانی تعلق دارد که در آن امر به فعالیت و کار می‌پردازند.

در مورد حفر نهر می‌فرماید: «نهر از آن کسانی است که در آن بکار پرداخته‌اند نه آن کسانی که در کار شرکت نکرده‌اند»^{۲۰}

ثالثاً: افرادی که در عمل و کار کوتاهی و سستی کنند، پیامدهایی برای ایشان بیبار می‌آید.

«قال امام علی (ع): مَنْ قَصِرَ فِي الْعَمَلِ ابْتَلَىٰ بِاللَّهِ، امام علی (ع) می‌فرماید: کسی که در عمل کوتاهی کند به غم و اندوه دچار شود»^{۲۱} (حکمت ۱۲۲)

کار آزادانه شامل فعالیتهایی است که: اولاً مبنی بر استعدادها و توانائیهای انسان باشد.

ثانیاً فرد به آن علاقمند باشد.

ثالثاً به شخصیت انسان خدشه وارد نکند. رابعاً منجر به شکوفائی و ابتکار فرد شود.

کارهای شایسته

در قرآن مجید آیات متعددی راجع به کار و فعالیت وجود دارد. یکی از اهداف مهم اسلام در جامعه انجام کار و اعمال شایسته توسط مردم می‌باشد.

«إِنَّ الدِّينَ أَمْنًا وَ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفُردُوسِ نُزُلًا»^{۲۲} کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته و نیک کرده‌اند در بهشت فردوس منزل خواهند یافت.

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ الْفَوْمُ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا»^{۲۳} همانا این قرآن خلق را به راست‌ترین و استوارترین طریقه هدایت می‌کند و اهل ایمان (مؤمنان) که کارهای شایسته و نیک می‌کنند به اجر و ثواب عظیم بشارت می‌دهد.

در دین مسین اسلام کار و مشاغل به انواع ذیل تقسیم‌بندی شده است:

۱- کارهای واجب: شامل کار کردن به منظور تأمین احتیاجات شخصی و خانواده و کارهایی که در صورت قصور و انجام ندادن، وقفه در فرایند زندگی اجتماعی و جامعه ایجاد می‌گردد.

۲- کارهای حرام: کارهایی که شارع مقدس آن را برای جامعه مضر و زیان‌آور می‌داند مانند خمرسازی.

۳- کارهای مستحب: شامل فعالیتهایی که منجر به خیر و عمران جامعه می‌شود مانند کمک به محرومان.

۴- کارهای مکروه: فعالیتهایی که در اسلام نهی نشده و فرد انجام‌دهنده مورد عقوبت قرار نمی‌گیرد اما بهتر است که انجام نگیرد مانند قصابی.

۵- کارهای مباح: کارهایی که انجام دادن و ندادن آن تفاوتی نمی‌کند.

در اندیشه مولای متقیان کارها و فعالیتهای به دو نوع عمده تقسیم می‌شود:

۱- کارهای شایسته ۲- کارهای ناشایست دارای خصوصیات ذیل باشند: نخست: یکی از ویژگیهای اعمال و کارهای شایسته این است که افراد با انجام آن به سوی حق و خداوند نزدیک شوند به عبارت دیگر کار زمینه‌ای برای ایجاد ارتباط بین مخلوق و خالق گردد.

در این مورد امام علی (ع) می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعَمَلِ مَا أُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ، افضل‌ترین عمل آن است که قصد وجه خدا شود یعنی منجر به نزدیکی به خداوند گردد»^{۲۴}

دوم: از شرایط دیگر اینکه کارها منطبق و مبتنی بر موازین الهی و اسلامی باشد و شارع مقدس آن را برای سلامتی جامعه زیان‌آور ندانسته باشد. در این مورد علی (ع) می‌گوید: «أحسن الأفعال ما و او به افق نزدیکتر شود و افق الحق، نیکوترین کارها آنست که موافق با حق باشد»^{۲۵}

سوم: کاری در جامعه شایسته است که انجام دادن آن آسیب و انحراف فردی و اجتماعی به همراه نداشته باشد به عبارت دیگر نه تنها منجر به فساد و انحراف در جامعه نشود بلکه انسان را از خطا و اشتباه مصون نگه دارد و زمینه‌ای برای انجام صالحات و نیکی‌ها در فرد و جامعه گردد. قال امام علی (ع): «أحسنُ الفعلِ الكفُّ عن القبيح، نیکوترین کار باز ایستادن از زشت است»^{۲۶}

چهارم: از خصوصیات کارهای شایسته آن است که علاوه بر دارا بودن ویژگیهای مذکور نیت و قصد انجام‌دهنده خیر و برای صلاح و آبادانی جامعه باشد. زیرا هدفدار (نیت‌دار) بودن کار و تلاش باعث می‌شود که مسیر و فرایند کار مشخص باشد و فرد و به تبع آن جامعه دچار سرگردانی و انحراف نگردد. قال امام علی (ع): «لا تَكْمُلُ صَالِحُ الْعَمَلِ إِلَّا بِصَالِحِ النِّيَّةِ» امام علی (ع) می‌فرماید: کامل نمی‌گردد شایستگی عمل مگر به شایستگی نیت»^{۲۷}

پنجم: از مهمترین ویژگیهای کارهای شایسته آنست که مناسب و حلال باشد. دین اسلام چنین کارهایی را برای فرد و جامعه مفید دانسته و این کارها آثار دنیوی و اخروی مطلوبی به همراه دارد.

قال امام علی (ع): «و الحرفه مع العفة خيرٌ من العسنى مع الفجور، علی (ع) می‌فرماید: شغل همراه با پاکدامنی، بهتر از ثروت فراوانی است که با گناهان بدست آید»^{۲۸} (نامه ۹۱/۳۱)

از این حدیث می‌توان استنباط کرد که کار و فعالیت نباید منجر به گناه و ستم و ضایع شدن حقی از کسی گردد.

کارهای ناشایسته

کارهای ناشایسته و ناپسند مبتنی بر

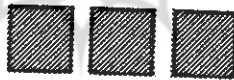
ویژگیهای ذیل است: نخست از ویژگیهای کارهای ناپسند و ناشایست آنست که انجام آن در پنهان یا انجام آن در آشکار برای عامل، شرمندگی به همراه داشته باشد.

قال امام علی (ع): «وَاحْذَرُ كُلَّ عَمَلٍ يُعْمَلُ بِهِ فِي السِّرِّ وَ يُسْتَحَى مِنْهُ فِي الْعَلَانِيَةِ، امام می‌فرماید: پرهیز از هر کاری که در پنهان انجام گیرد و در آشکار شرمندگی آورد»^{۲۹} (نامه ۶۹)

از این حدیث این نکته استنباط می‌گردد که از انجام دادن کاری که از علنی شدن آن شرم دارید پرهیز کنید.

دوم: خصوصیت دیگر کارهای ناشایست اینست که برای فرد و جامعه مضر و زیان‌آور باشد و پیامدهای ناگوار ایجاد کند. اینگونه کارها اگر گسترش یابد به تدریج کل نظام اجتماعی را فرا می‌گیرد و نظام را از حیات عادی و متعادل خود خارج می‌کند.

سوم: کاری ناشایست است که وقتی از عامل آن سؤال شود نه تنها فخر و مباهات نکند بلکه احساس شرم و انکار نماید. قال امام علی (ع): «احْذَرُ كُلَّ عَمَلٍ إِذَا سُئِلَ عَنْهُ صَاحِبُهُ إِسْتَحَى مِنْهُ وَ أَنْكَرَهُ از هر عملی که وقتی از صاحبش پرسیده شود از آن شرم نموده و انکارش کند دوری نماید»^{۳۰}



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پس نوشت‌ها:

* - عضو هیأت علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان و کارشناس ارشد رشته جامعه‌شناسی

۱- میک، رونالد، پژوهشی در نظریه آموزش - کار، ترجمه م سوداگر، تهران، بازند، ۱۳۵۸، ص ۲۲

۲- توسلی، غلامعباس، جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۹

۳- توسلی، همان منبع، ص ۱۰

۴- ترجمه نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، انتشارات مشرقین، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، صص ۴۴۷ و ۴۴۶ خطبه ۹/۲۳۰

۵- اقتباس از کتاب کار و حقوق کارگر، تألیف شریف قریشی، ترجمه ادیب لاری و محصک بردی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶، صص ۵ و ۶

۶- جرداق، جرج، امام علی (ع) صدای عدالت انسانی، جلد اول، ترجمه سیدهادی حسروشاهی، قم، نشر خرم، چاپ سوم، ۱۳۷۶، ص ۱۷۲

۷- جرداق، همان منبع جلد اول، ص ۱۷۲

۸- برفعی قمی، سیدعلی اکبر، خاوه حق در سیرت مولای متقیان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) تهران انتشارات حافظ، (بی‌تا)، ص ۵۵

۹- قریشی، شریف، کار و حقوق کارگر، ۱۳۶۶، ص ۶

۱۰- جرداق، همان منبع، جلد اول، ص ۲۳۵

۱۱- شفیق آبادی، عبدالله، راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۲، ص ۹۳

۱۲- ترجمه نهج البلاغه، محمد دشتی، صص ۲۸۵ و ۲۸۴، خطبه ۶۱/۱۵۴

۱۳- غرزالحکم، جلد دوم، سیدحسین شیخ الاسلامی، قم، انصاربان، (بی‌تا)، ص ۱۰۴۳

۱۴- غرزالحکم، جلد دوم، ص ۱۰۴۶

۱۵- غرزالحکم، جلد دوم، ص ۱۰۴۸

۱۶- ترجمه نهج البلاغه، محمد دشتی، صص ۷۳۷ و ۷۳۶، حکمت ۴۴۴

۱۷- سازمان امور اداری و استخدامی کشور، پیامهای اداری از نهج البلاغه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۵۵

۱۸- جرداق، همان منبع، جلد اول صص ۲۳۶ و ۲۳۵

۱۹- ترجمه نهج البلاغه، محمد دشتی، صص ۷۳۷ و ۷۳۶، حکمت ۴۴۴

۲۰- جرداق، همان منبع، جلد اول، ص ۲۳۶

۲۱- پیامهای اداری از نهج البلاغه، ص ۵۳

۲۲- قرآن مجید، سوره کهف، آیه ۱۰۷

۲۳- سوره بنی اسرائیل (اسراء) آیه ۹

۲۴- غرزالحکم، جلد دوم، ص ۱۰۳۸

۲۵- غرزالحکم، جلد دوم، ص ۱۰۳۹

۲۶- غرزالحکم، جلد دوم، ص ۱۰۳۹

۲۷- غرزالحکم، جلد دوم، ص ۱۰۵۵

۲۸- ترجمه نهج البلاغه، محمد دشتی، صص ۵۳۳ و ۵۳۲، نامه ۹۱/۳۱

۲۹- پیامهای اداری از نهج البلاغه، ص ۳۰، نامه ۶۹

۳۰- غرزالحکم، جلد دوم، ص ۱۰۳۶

ادامه در شماره آینده